



مجموعه آثار

علامه سید مرتضیٰ عسکری

برگستره کتاب و سنت

مترجم: محمد جواد کریمی



حکم بازسازی قبور انبیاء و اولیاء
و عبادت در آنها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در کسب و کتاب و سنت

حکم بازسازی قبور انبیاء و اولیاء و عبادت در آنها

تألیف: علامه سید مرتضی عسکری

ترجمه: محمد جواد کرمی

تصحیح و تنظیم: کرمرضا خزلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا). (سوره احزاب، آیه ۲۱)
به راستی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای شما
اسوه و سرمشق نیکویی است، برای آنان که به خدا و روز
قیامت امید داشته و خدا را بسیار یاد می کنند.

مقدمه ناشر:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(الحمد لله رب العالمين كثيراً كما هو أهله، و الصلاة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين، سيما بقیة الله فی العالمین، واللعنة على أعدائهم ومخالفيهم و منكری فضائلهم).

همانا انبیای الهی و در پی ایشان اوصیای آنها و در دوران غیبت علمای دین گشایندگان راه و روشن کنندگان مسیر الی الله هستند. مثل آنها مانند ماه و ستارگان در شب تاریک و ظلمانی است. سوسو زنان هدایتگر جا ماندگان در راهند.

انبیا و اوصیای ایشان طلیعه داران این مکتبند. علما و فقهاء پیروان ایشانند در دوران غیبت در شناسایی سیره انبیا و اوصیا که حقیقت اسلام است و در اعمال و حرکات و گفتار آنان تجسم شده است. این علما و فقهاء هستند که سره و ناسره را از هم جدا کرده و به کنکاش در حقیقت اسلام پرداخته و آن را در اختیار مردم قرار می دهند تا آنان را از غرق شدن در گرداب جهالت نجات دهند.

حضرت آیت الله علامه عسکری یکی از این شخصیت‌های نادر در جامعه اسلامی تشیع است که عمر شریف و با برکت خود را در تحقیق و تدبر در شناخت اسلام مکتب **اهل بیت (علیهم السلام)** گذرانده است. ایشان مباحث دینی را از جایگاه برخورد‌های سطحی به عمق تحقیق علمی کشاند و به دور از تعصبات مذهبی و با ادله مورد قبول دو مکتب **اهل بیت (علیهم السلام)** و مکتب خلفا به دفاع از مذهب تشیع پرداخت.

بدین سبب تألیفات معظم له در سراسر جهان اسلام اشتها خاصی یافته و به زبانهای مختلف ترجمه و منتشر گردیده است.

کتاب حاضر تدوین شده هفده جزوه بر گستره کتاب و سنت است که در سالهای قبل به صورت مجزا و در قطع جیبی چاپ گردیده است و شامل بررسی و پاسخهای جامع و مانع ایشان از مصادر و کتب معتبر اهل سنت به مسائل مطرح شده آنها علیه مکتب **اهل بیت (علیهم السلام)** است.

موسسه علمی فرهنگی علامه عسکری در جهت حمایت مادی و معنوی از فعالیتها و آثار علامه عسکری و گسترش هرچه بیشتر دامنه این فعالیتها در فعالیتها در سطح جوامع اسلامی تشکیل شده است.

روابط عمومی موسسه علمی فرهنگی علامه عسکری

مقدمه

(وحدت بر محور کتاب و سنت)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ السَّلَامُ عَلٰی اَصْحَابِهِ الْبَرَّةِ الْمَيَامِينِ).

ما مسلمانان یکپارچه، از درون و از راه مسائل اختلافی با خود به نزاع برخاستیم و دشمنان اسلام از برون و از راهی که ندانستیم، وحدتمان را به تفرقه و شوکتان را به ضعف کشاندند تا از دفاع ناتوانمان کردند و بر ما چیرگی یافتند؛ در حالی که خدای سبحان فرموده است:

(وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْكُمْ) (۱)

خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که ناتوان شوید و قدرت و شوکت شما برود!

پاورقی:

۱- سوره انفال، آیه ۴۶.

آری:

(وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ) (۱)

هر مصیبتی به شما رسد، دستاورد خودتان است و خداوند بسیاری را نیز، می بخشد!

پس شایسته آن است که امروز و هر روز، به « کتاب و سنت » بازگردیم و وحدت کلمه خود را بر محور « کتاب و سنت » باز یابیم که خدای متعال می فرماید:

(فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ) (۲)

اگر در چیزی نزاع کردید [حکم] آن را به خدا و رسول بازگردانید.

ما نیز، در این سلسله از بحثها به « کتاب و سنت » مراجعه کرده و ابزار روشننگر راهمان در مسائل مورد اختلاف را از « کتاب و سنت » می گیریم تا به اذن خدای متعال بار دیگر وسیله وحدت کلمه و یکپارچگی شود. امیدواریم دانشمندان و متفکران اسلامی نیز، در این میدان با ما همراهی نموده و دیدگاههای خود را برای ما ارسال دارند.

سید مرتضی عسکری

پاورقی:

۱- سوره شوری، آیه ۳۰.

۲- سوره نساء، آیه ۵۹.

حکم بازسازی قبور انبیاء و اولیاء و عبادت در آنها

دلایل معتقدان به تحریم بنا بر قبور

مسلمانان در موضوع بازسازی و عمارت بر قبور انبیاء و اولیاء، و طواف پیرامون آنها، و مسجد و عبادتگاه قرار دادن این قبور، با یکدیگر، اختلاف کرده اند. معتقدان به تحریم به روایاتی استدلال می کنند که مهمترین آنها اینهاست:

الف) از امام علی (علیه السلام) روایت کرده اند که فرموده:

(كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فِي جِنَازَةٍ فَقَالَ: أَيُّكُمْ يَنْطَلِقُ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلَا يَدْعُ بِهَا وَثَنًا، إِلَّا كَسَرَهُ، وَلَا قَبْرًا إِلَّا سَوَّاهُ، وَلَا صُورَةً إِلَّا لَطَخَهَا؟ فَقَالَ رَجُلٌ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَأَنْطَلِقَ فَمَهَابَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ، فَرَجَعَ. فَقَالَ عَلِيٌّ: أَنَا أَنْطَلِقُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: فَأَنْطَلِقُ. فَأَنْطَلِقَ ثُمَّ رَجَعَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لَمْ أَدْعُ بِهَا وَثَنًا إِلَّا كَسَرْتُهُ وَ لَا قَبْرًا إِلَّا سَوَّيْتُهُ، وَ لَا صُورَةً إِلَّا لَطَخْتُهَا).

علی (علیه السلام) فرموده: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در تشییع جنازه ای بود که فرمود: کدام یک از شما به سوی مدینه می رود تا همه بت‌های آنجا را شکسته و همه قبرهای آن را صاف و همه صورتها [مجسمه‌های] آن را دگرگون کند؟ مردی

گفت: «من ای رسول خدا!» او رفت و از مردم مدینه ترسید و بازگشت. علی (علیه السلام) گفت: «ای رسول خدا (صلی الله علیه وآله) من بروم؟» فرمود: برو. او رفت. سپس بازگشت و گفت: «ای رسول خدا (صلی الله علیه وآله)! همه بتها را شکستم، همه قبرها را صاف کردم و همه صورتها را واژگون نمودم.»

این روایت در کتابهای حدیثی تکرار شده و ما کاملترین عبارت آن را آوردیم. (۱)

ب) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) روایت کرده اند که فرموده:

(اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْ قَبْرِیْ وَ ثَنًا، لَعَنَ اللّٰهُ قَوْمًا اتَّخَذُوا قُبُورَ اَنْبِیَائِهِمْ مَسَاجِدَ).

پروردگارا قبر مرا بت مگردان، خدا لعنت کند گروهی را که قبور انبیایشان را مسجد گزیدند. (۲)

در روایت دیگری رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آنانی را که قبور انبیای خود را مسجد گزیده اند معرفی کرده و فرموده:

(قَاتِلَ اللّٰهُ الْیَهُودَ، اِتَّخَذُوا قُبُورَ اَنْبِیَائِهِمْ مَسَاجِدَ).

خدا بکشد یهود را، آنان قبور انبیایشان را مسجد گزیدند. (۳)

پاورقی:

۱- مسند احمد، ج ۱، ص ۸۷-۸۹، ۹۶-۱۱۰، ۱۱۱-۱۲۸، ۱۳۷-۱۳۹، ۱۴۵-۱۵۰؛ مسند طرابلسی، حدیث ۹۶-۱۵۵.

۲- مسند احمد، ج ۲، ص ۲۴۶.

۳- مسند احمد، ج ۲، ص ۲۸۵.

ج) استدلال بدانچه از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) درباره نهی زنان از زیارت قبور روایت شده، مانند آنچه ابن ماجه و ترمذی و ابوداود با اسناد خودشان در سنن از ابوهریره و حسان و ابن عباس آورده اند که:

(أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لَعَنَ زَوَارَاتِ الْقُبُورِ).
رسول خدا (صلی الله علیه وآله) (زنهای زیارت کننده قبور را لعنت فرموده است. (۱)

اشکال و خدشه در روایات بخش اول

اشکال نخست: اوضاع مدینه پیش از هجرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) پس از آنکه برخی از مردم مدینه اسلام آوردند، پیش از هر کار، ابتدا مصعب بن عمیر را برای یاد دادن احکام آنروزین اسلام به تازه مسلمانان، به سوی آنان گسیل داشت، زیرا تنها بخشی از مردم مدینه در سفری که به حج رفتند در عقبه حاضر شده و با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) مخفیانه بیعت کرده بودند، و اسلام در میان آنان گسترش نیافت مگر آنگاه که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به سوی ایشان هجرت کرد، و آنان به پاورقی:

۱- سنن ابن ماجه، کتاب جناز، چاپ دار الکتب العربیة (۱۳۷۲ هجری)، ج ۱، ص ۵۰۲، حدیث ۱۵۷۶؛ سنن ابوداود، کتاب جناز، ج ۳، ص ۲۱۸، حدیث ۳۲۲۶؛ مسند احمد، چاپ مصر (۱۳۱۳ هجری)؛ ج ۲، ص ۳۳۷ و ۳۵۶؛ سنن ترمذی ابواب جناز، چاپ مصر (۱۳۵۰ هجری)؛ ج ۲، ص ۲۷۶.

تدریج به اسلام گرویدند. امام علی (علیه السلام) نیز، پس از سه روز یا بیشتر، در پی آن حضرت روان شد. داستان ورود پیامبر (صلی الله علیه وآله) به مدینه نیز، معروف و مشهور است. و نیز، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پس از آنکه با یهود بنی قریظه و بنی النضیر و بنی قینقاع پیماننامه منعقد کرد، حکومت خود بر مدینه را به تدریج بسط و گسترش داد. حال، با چنین روندی که از شروع و توسعه و گسترش اسلام در مدینه می دانیم، سؤال این است که: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در کجا و چه وقت، در حالی که در تشییع جنازه بوده، امام علی (علیه السلام) را به مدینه فرستاده تا بتها را نابود، قبرها را صاف و پیکره ها را واژگون نماید؟ آن هم از موضع قدرت و بمانند فرمانروایی که سرپیچی از فرمانش ممکن نیست؟ اضافه بر آن، فرستاده نخستین که می رود و ترسان باز می گردد، پیامبر و دیگران همچنان در تشییع جنازه بوده اند! سپس پیامبر (صلی الله علیه وآله) امام علی (علیه السلام) را بعد از او فرستاده و آنان همچنان در تشییع جنازه بوده اند! این چگونه ممکن می شود؟

اشکال دوم: زمان و مکان مأموریت

در دنباله روایت آمده است که امام علی (علیه السلام) به ابوالهیاج اسدی فرمود:

(أُبْعَثُكَ فِيمَا بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): أَمَرَنِي أَنْ أَسْوِيَ كُلَّ قَبْرِ وَأَطْمِسَ كُلَّ صَنْمٍ). (۱)

من تو را به کاری مأمور می کنم که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) مرا مأمور آن کرد: فرمانم داد تا همه قبرها را صاف و همه

پاورقی:

بتها را نابود کنم.

مسلم است که امام (علیه السلام) ابوالهیاچ اسدی را تنها در دوران حکومت و خلافت خویش مأموریت داده است. بنابراین، باز هم این سؤال پیش می آید که: مأموریت امام (علیه السلام) به ابوالهیاچ در کجا و چه وقت بوده است؟ در عصر خلافت امام علی (علیه السلام) و پس از فتوحات اسلامی و پس از دوران خلفای سه گانه یا پیش از آن؟ امام (علیه السلام) ابوالهیاچ را به کدام یک از سرزمینها فرستاده تا قبرها را ویران و صاف و بتها را محو و نابود کند؟ ختام سخن آنکه، در هر دو روایت، فرمان صادره از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) - اگر هر دو خبر صحیح باشد - فرمان نابودی و ویرانی قبور مشرکین در سرزمین شرک است. گسترش این حکم به قبور مسلمانان و وجوب ویرانی آنها از کجای روایت به دست می آید؟

اشکال و خدشه در روایات بخش دوم

نخست: درباره قبور انبیای بنی اسرائیل

در باب بیست و پنجم سفر پیدایش تورات روایتی است که فشرده آن چنین است:

ابراهیم (علیه السلام) وفات کرد و اسحاق و اسماعیل او را در غار مکفیله در صحرای عِفرّون بن صوحار حِثی در مقابل ممرا دفن کردند. (۱)

پاورقی:

۱- تورات، ترجمه فارسی از عبرانی و کلدانی و یونانی، ص ۳۵.

و در باب پنجاهم آمده است: هنگامی که یعقوب در مصر وفات کرد فرزندش یوسف او را به غار مکفیله آورد و در کنار پدر و جدش دفن کرد.

و در باب دهم از سفر اعداد آمده است: هارون وفات کرد و برادرش موسی او را؛ ققت بر فراز کوه هور دفن کرد.

و در باب سی و چهارم از سفر تثئیه آمده است:

موسی (علیه السلام) در سرزمین مواب وفات کرد و در جواء مقابل خانه فغور دفن گردید و هیچ انسانی تا به امروز قبر او را نمی داند.

و در باب بیست و چهارم از سفر یوشع آمده است:

او را در کوه افرایم دفن کردند. و استخوانهای یوسف در شکیم دفن شده است و از مدفن داود و سلیمان در اسفار تورات ذکری نیست.

صاحب کتاب قاموس کتاب مقدس در معرفی و ترجمه صهیون گوید:

مدفن داود و سلیمان شناخته نشده است.

در ماده الخلیل معجم البلدان آمده است:

الخلیل نام موضع و شهری است نزدیک بیت المقدس به فاصله یک روز راه، دارای قلعه ها و ساختمانها و بازار که قبر ابراهیم خلیل (علیه السلام) در آنجا و در غاری زیر زمین است. آنجا زیارتگاه و محل اجتماع و مهمانسرای زائران است و آن موضع را الخلیل گویند؛ نام اصلی اش حبرون یا حبری است.

در تورات است که خلیل (علیه السلام) محلی را از عفرون بن صوحار حتی به مبلغ چهارصد درهم نقره خریداری و ساره را در آن دفن کرده است. گروهی از اهل حدیث بدانجا منسوبند. آنجا محلی پاک و روح افزاست که آثار برکت بر آن

هویدا است. می گویند: قلعه آن از بنای سلیمان بن داود (علیه السلام) است. بیت المقدس هروی گفته است: « در سال ۵۶۷ هجری وارد شدم. در آنجا و در شهر « الخلیل » با بزرگانی از اهل حدیث گرد آمدم. آنان برای من روایت کردند که در سال ۵۱۳ هجری در دوران ملک بردویل محلی در غار الخلیل فرو رفت؛ گروهی از فرنگیان با اجازه شاه وارد آن شدند و ابراهیم و اسحاق و یعقوب (علیه السلام) را در آنجا یافتند؛ کفنهايشان پوسیده بود و آنان به دیواری تکیه داشتند؛ بالای سرشان قندیلهایی آویزان و سرهایشان باز بود؛ پادشاه دوباره بر آنان کفن پوشانید و محل فرو رفته را مسدود کرد.

گوید: نزد سلفی خواندم: « مردی که ارمنی اش می گفتند، قصد زیارت الخلیل کرد و هدایای فراوانی به متولی آن محل داد و از او خواست تا امکان فرود و دیدار جسد ابراهیم (علیه السلام) را برایش فراهم کند. پاسخ شنید: « اکنون نمی شود ولی اگر بمانی تا خلوت شود و زائران بروند، انجام خواهم داد ».

هنگامی که زائران رفتند سنگی را کنار زد و چراغی برگرفت و با یکدیگر به اندازه هفتاد درجه به سوی غاری که هوای فراوانی در آن جریان داشت فرود آمدند. در غار سکویی بود که ابراهیم (علیه السلام) بر روی آن خوابیده و جامه سبزی بر روی او پوشیده بود و هوای جاری در غار با ریش سفیدش بازی می کرد. اسحاق و یعقوب نیز در کنار او بودند. سپس او را به نزدیک دیوار غار آورد و به او گفت: ساره پشت این دیوار است. او خواست تا پشت دیوار را نظاره کند که ناگهان صدایی برخاست: « از نزدیک شدن به حرم بپرهیز! » او گفته است: ابا شنیدن صدا [از همانجا که پایین رفته بودم بازگشتم ». (۱)

پاورقی:

در جلد اول تاریخ ابن عساکر در این باره مطلبی آمده که فشرده آن چنین است:

« هنگامی که پس از سال ۸۶ هجری جامع دمشق را به دستور ولید بن عبدالملک (متوفای ۵۴ هجری) حفر می کردند، سر یحیی بن زکریا را در سبیدی در صندوق و در زیر یکی از پایه های گنبد یافتند و آن را به همانگونه در زیر ستونی از ستونها قرار دادند ».

در تورات و غیر تورات ذکری از قبور دیگر انبیای بنی اسرائیل نیامده و مدفن لوط و یوشع و ایوب و عزیر و زکریا (علیه السلام) شناخته نشده است. عیسی بن مریم (علیه السلام) را هم که خداوند به سوی خود بالا برد.



آنچه گذشت، اخبار قبور « انبیای بنی اسرائیل » - یهود بود. ما نه دیده و نه شنیده ایم و نه کسی نوشته است که یهود قبور انبیای خویش را « بت » گرفته باشند و می دانیم که کردن قبر با احترام قبر و زیارت آن تفاوت دارد. « بت » گرفتن « بت » و ساختن قبر معنایش آن است که در نمازها قبر را همانند کعبه قبله گاه خویش قرار دهند. پس مقایسه این دو با هم قیاسی باطل است.

دوم: معبد یهود و عبادتگاه بنی اسرائیل

عبادتگاه بنی اسرائیل - یهود - که « تابوت عهد » در آن بود، خیمه اجتماع نام داشت. در باب « ۲۵ تا ۲۸ » سفر خروج تورات چگونگی فرمان خدا به پیامبرش موسی (علیه السلام) درباره ساخت آنها، و در باب « ۲۹ - ۳۰ » چگونگی فرمان خدا به بنی اسرائیل - آنگاه که در صحرا بودند - برای عبادت در خیمه اجتماع، آمده است.

بنی اسرائیل به هر جا که می رفتند « خیمه و تابوت » را با خود برمی داشتند تا آنگاه که به سرزمین فلسطین رسیدند. داود (علیه السلام) در آنجا مقدمات بنای معبدی بر سبک و سیاق خیمه اجتماع را برای آنان فراهم آورد و سلیمان (علیه السلام) آن را بنیان نهاد و خیمه اجتماع و تابوت را در آن جای دادند.



بدینگونه، درمی یابیم که یهود از هنگامی که در صحرا بودند برای عبادتشان خیمه اجتماع داشتند. زمانی هم که در فلسطین جایگزین شدند، سلیمان (علیه السلام) برای آنان عبادتگاه ویژه - هیکل سلیمان - بنا کرد تا خیمه عبادت و تابوت عهد را در آن جای دهند. [پس، بت کردن قبور انبیا و پرستش آن در کجا بوده است؟]

البته همه توجه داریم که سؤال و تردید ما در این بررسیها به هیچ روی متوجه احادیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نمی باشد - ما از چنین کاری به خدا پناه می بریم - بحث و بررسی ما تنها درباره روایان این احادیث است؛ روایانی که خداوند از خطا و لغزش و نسیان مصونشان نداشته است. تا اینجا، دلایل کسانی را که بازسازی و بنای بر قبور را مخالف شریعت اسلامی می دانند، همراه با پاسخ آن، بیان داشتیم. آنچه در پی می آید، دلایل آنانی است که عمارت و بازسازی قبور را موافق شریعت می دانند.

دلایل کسانی که ساختن مسجد و عبادتگاه بر قبور انبیاء و اولیاء را جایز می دانند

ما، در بحث و بررسی « تشکیل مجالس بزرگداشت برای انبیا و صالحین » چگونگی گسترش و تأثیر « برکت و شومی » بر زمان و مکان را - به واسطه آنچه در هر یک از آنها بر بندگان خدا وارد آمده - بیان داشتیم. در این بحث، دوباره بدانجا بازگشته و به اذن خدای متعال - موارد ذیل را بر آن افزوده و می گوئیم:

نخست: در قرآن کریم

معتقدان به صحت عبادت در محل قبر انبیا و اولیای خداوند می گویند: خدای متعال در قرآن کریم فرموده:

الف: (وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی). (۱)

و از مقام ابراهیم عبادتگاهی بگیرید.

ب: (قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أُمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمُ مَسْجِدًا). (۲)

آنان که بر حالشان [اصحاب کهف] آگاه شدند گفتند: بر جایگاهشان مسجدی بنا خواهیم کرد.

پاورقی:

۱- سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۲- سوره کهف، آیه ۲۱.

داستان مقام ابراهیم (علیه السلام) را در بحث از «مجالس بزرگداشت انبیا و بندگان صالح خدا» آوردیم. فشرده آن، بنا بر آنچه بخاری در صحیح خود آورده چنین است:

«کار اسماعیل و ابراهیم (علیه السلام) به هنگام ساختن بیت الله آن بود که اسماعیل سنگ می آورد و ابراهیم بنا می کرد تا آنگاه که دیوار بالا رفت. اسماعیل این سنگ [مقام ابراهیم] را آورد. ابراهیم بر روی آن ایستاد و اسماعیل سنگ به دستش می داد تا بنا را بالا برد. مقام ابراهیم (علیه السلام) که خداوند فرمانمان داده تا از آن عبادتگاه و مصلا بگیریم همین جا است.»

فشرده داستان اصحاب کهف در تفاسیر

اصحاب کهف، گروهی از جوانمردان دربار دقیانوس بودند. پادشاهی که ادعای ربوبیت کرد. آنان مخفیانه به پروردگارشان ایمان آورده، از نزد پادشاهشان گریخته و به غاری پناه آوردند. خداوند گوش و هوش آنان را گرفته و خواب چند ساله را بر ایشان چیره و سپس آنان را بیدار کرد. آنها فردی از خود را برای تهیه غذا به شهر فرستادند. مردم شهر با دیدن سکه های قدیمی آنان، به رازشان پی بردند. مردم شهر در آن وقت مؤمن بودند و از داستان فرار یک گروه مؤمن از شهر، برای حفظ دین خود، آگاهی داشتند، لذا هنگامی که جایگاه آنان را دانستند، به سوی غار شتافتند. این خبر به آن جوانمردان رسید و آنان که خوش نداشتند دوباره به شهرشان بازگردند از خدا خواستند تا آنان را بر حالی که بودند بازگرداند. خداوند بار دیگر آنان را بسان مردگان در خواب کرد. مردم شهر درباره چگونگی برخورد با آنان به بحث و جدال با هم پرداختند، و آنانکه بر حال

اصحاب کهف آگاه شده بودند، گفتند: بر جایگاهشان مسجدی بنا می کنیم. (۱)

نتیجه بحث

در آیه اول، خداوند متعال فرمانمان داد تا از جای چای ابراهیم (علیه السلام) نمازگاه بگیریم و در پس آن خدا را عبادت کنیم. این کار به هیچ روی شرک نیست بلکه توحید عبادی و عین اطاعت از خدای سبحان است.

در آیه دوم، خداوند از مؤمنینی خبر داده که مصمم شدند تا بر خوابگاه آن جوانمردان مؤمن مسجدی بسازند و خدای سبحان را در آنجا عبادت کرده و برای او سجده نمایند. اینان همه مؤمن بودند نه مشرک! خداوند نیز آنان را بر این کارشان مذمت فرموده است.



این دو نمونه را از کتاب خدا بیان داشتیم. در سنت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نیز نمونه هایی است که بیان می داریم:

دوم: در سنت رسول الله (صلی الله علیه وآله)

الف) در صحیح مسلم و نسائی و ابن ماجه و ترمذی و موطناً مالک از بریده از پدرش آمده است:

پاورقی:

۱- به تفسیر آیات در کتب تفسیر مراجعه شود.

قال: (قال رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَزُورُوهَا...).

راوی گوید: رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: «من شما را از زیارت قبور نهی کردم، اکنون به زیارت آنها بروید...» (۱)

در سنن ابو داود در پایان این حدیث آمده است: «فَإِنَّ فِي زِيَارَتِهَا تَذَكُّرَةً؛ زیرا که بازدیدن قبور پندآموز است.

در سنن ابن ماجه از زبان ابن مسعود گوید:

(إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ: (كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَزُورُوهَا فَإِنَّهَا تُزَهِّدُ فِي الدُّنْيَا وَتُذَكِّرُ فِي الْآخِرَةِ).

همانا رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: من خود - در گذشته - شما را از زیارت قبور بازداشتم، اکنون به زیارت آنها بروید که زیارت قبور، دنیا را بی مقدار و آخرت را به هنجار نماید. (۲)

ب) داستان قبور انبیاء و رسولان (علیه السلام) در مکه و مدینه، از دوران اسماعیل تا عصر خاتم انبیاء (صلى الله عليه وآله)، به شرح زیر:

۱- در مکه همه طواف کنندگان کعبه در همه دورانها، همزمان با طواف بیت الله به طواف حجر اسماعیل پرداخته و با ساییدن خود به دیواره آن تبرک می جویند. و این در جایی است که اسماعیل و مادرش هاجر در آنجا دفن شده اند!

پاورقی:

۱- صحیح مسلم، حدیث ۹۷۷؛ سنن نسائی، ج ۴، ص ۹؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۰-۵۰۱؛

سنن ترمذی، ج ۴، ص ۲۷۴؛ سنن ابی داود، حدیث ۳۲۳۵؛ موطأ مالک، ج ۲، ص ۴۸۵.

۲- سنن ابن ماجه، حدیث ۱۵۷۱.

در سیره ابن هشام (متوفای ۲۱۸ هجری) و تاریخ طبری (متوفای ۳۱۰ هجری) و تاریخ ابن اثیر (متوفای ۶۳۰ هجری) و ابن کثیر (متوفای ۷۷۴ هجری) روایاتی است که می‌گویند: «اسماعیل با مادرش هاجر در حجر مدفونند». «اسماعیل وصیت کرد تا در کنار قبر مادرش در حجر دفن گردد».

ابن سعد در طبقات خود گوید: اسماعیل هنگامی که بیست ساله شد مادرش هاجر در سن نود سالگی درگذشت. او مادرش را در حجر دفن کرد. اسماعیل نیز پس از پدرش ابراهیم درگذشت و در کنار مادرش هاجر در جنب کعبه دفن گردید.

در روایتی دیگر گوید:

«قبر اسماعیل زیر ناودان بین رکن و بیت است». (۱)

در کتاب الاکتفاء کلاعی روایتی است که فشرده آن چنین است:

«هاجر و اسماعیل و پسرش نابت در حجر دفن شده‌اند». (۲)

ابن جبیر در سفرنامه اش قبر اسماعیل و مادرش هاجر را توصیف کرده و گوید:

«در زیر ناودان، در صحن حجر، نزدیک دیوار بیت الله الحرام قبر اسماعیل (علیه السلام) است. علامت آن سنگ سبز و مرمرین و مستطیل محراب‌مانندی است که سنگ سبز مرمرین دیگری بر گرد آن پیوسته است. هر دو سنگ از دیدنیهای شگفت‌آور است. در آنها رگه‌ها و نقاطی است که اندکی به زردی می‌پاورقی:

۱- طبقات ابن سعد، چاپ اروپا، ج ۱، ص ۲۵. روایات او را فشرده آوردیم.

۲- الاکتفاء فی مغازی المصطفی و الثلاثة الخلفاء، ص ۱۱۹، تصحیح هنری ماسه، چاپ جول کریونل، الجزائر، ۱۹۳۱ میلادی.

زند چنانکه گویا درز و شکاف است و شبیه ترین چیزها به ذرات باقی مانده در بوته ذوب طلاست. در جنب آن نزدیک رکن عراقی، قبر مادرش هاجر است. علامت آن نیز سنگ سبزی به اندازه یک وجب و نیم است. مردم در نماز به این دو محل از حجر تبرک می جویند، و این برای آنان سزااست. زیرا، آن دو قبر از بیت عتیق بوده و دربردارنده دو جسد مقدس و گرمی هستند. قبوری که خداوند آنها را نورانی کرده و به برکت آنها نمازگزاران و دعاکنندگان در آنجا را سود رساند. فاصله این دو قبر مقدس از یکدیگر هفت وجب است» (۱)

عبدالرحمان بن جوزی (متوفای ۵۹۷ هجری) (۲) در کتاب خود در باب «معرفی بزرگان مدفون در حرم» می نویسد:

«از صفوان بن عبداللّه الجمحی روایت شده است که گفته است: ابن زبیر، محلی را [در اطراف بیت] حفر کرد، پوسته ای از سنگ سبز پیدا شد، از قریش درباره آن توضیح خواست، هیچکس را آگاه بر آن نیافت، نزد پدرم فرستاد و از او پرسید، پدرم گفت: «این قبر اسماعیل (علیه السلام) است، آن را جابه جا مکن». او نیز چنین کرد».

ابن زبیر گفته است: «این [دیوار] نیم دایره اشاره به آن دارد که، آنچه به رکن شامی مسجدالحرام می پیوندد قبور دوشیزگان اسماعیل است».

پاورقی:

۱- ابن جبیر، محمد بن احمد بن جبیر کنانی اندلسی... در شب شنبه دهم ربیع الاول سال ۵۳۹ یا ۵۴۰ هجری به دنیا آمده و در شب چهارشنبه ۲۷ یا ۲۹ شعبان ۶۱۶ هجری در اسکندریه بدرود حیات گفته است.

۲- مثير الغرام الساكن الى اشرف الاماكن، چاپ دارالرایة للنشر، ریاض، ۱۴۱۵ هجری، ص

۲۱۸.

روایت شده که محل دفن، میان ناودان تا درب غربی حجر اسماعیل است. ابو عبدالله محمد بن اسحاق الفاکهی (متوفای ۱۱۹ هجری) در کتاب خود (۱) باب: «معرفی قبور دوشیزگان اسماعیل (علیه السلام)» می نویسد: روایت شده که ابن زبیر گفته است: «این نیم دایره که به رکن شامی پیوسته، قبور دوشیزگان اسماعیل (علیه السلام) است». ابن ابی عمر در حدیث خود گوید: از سفیان راوی پرسیدند: «این مکان کدام است؟» او با دست خود به حجر، روبروی رکن غربی که به رکن یمانی دارالعجله، می پیوندد، اشاره کرد. این مطلب را عبدالرزاق نیز، در مصنف (ج ۲، ص ۱۲۰) و ازراقی (۲) در (ج ۲ ص ۶۶) کتاب خود آورده اند.

ابن جوزی در باب «معرفی بزرگان مدفون در حرم» و ازراقی در اخبار مکه روایتی دارند که فشرده آن چنین است:

«هر پیامبری که امتش هلاک می شدند به مکه می آمد و با مؤمنین همراه خود به عبادت می پرداخت تا وفات می کرد. هود و صالح و شعیب از آنان بودند. و در بین رکن و مقام [ابراهیم] و زمزم و حجر [اسماعیل] قبر نود و نه نفر از انبیاء است.»

ابوبکر فقیه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) روایت کرده که فرمود: «هیچ پیامبری از قوم خود جدا نشد مگر آنکه به سوی کعبه آمد و خدا را عبادت کرد تا از دنیا رفت. قبر هود و شعیب و صالح در بین زمزم و مقام [ابراهیم] است. قبر سیصد تن از پیامبران در کعبه است و بین رکن یمانی تا رکن اسود هفتاد تن از

پاورقی:

۱- من اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، چاپ بیروت، ۱۴۱۴ هجری.

۲- بنابر آنچه در پاورقی اخبار مکه، ص ۱۲۳ آمده است.

پیامبران مدفونند». (۱)



آنچه بیان شد روایات آمده در کتب مکتب خلفا بود، در کتابهای حدیثی مکتب **اهل بیت (علیه السلام)** نیز روایاتی همانند آنها به شرح زیر آمده است:

کلینی (متوفای ۳۲۹ هجری) در کتاب کافی و صدوق (متوفای ۳۸۱ هجری) در کتاب من لا یحضره الفقیه و علل الشرایع و فیض کاشانی (متوفای ۱۰۸۹ هجری) در وافی و مجلسی (متوفای ۱۱۱۱ هجری) در بحار، روایت کرده اند که: - عبارت از کافی است- «قبر هاجر و قبر اسماعیل در «حجر» است». (۲) و نیز روایت کرده اند: «در حجر قبور انبیاء (علیه السلام) است».

در کافی و وافی و بحار آمده است:

«در حجر در محدوده رکن سوم، دوشیزگان اسماعیل (علیه السلام) مدفونند». (۳)



پاورقی:

-
- ۱- مختصر کتاب البلدان، تألیف ابوبکر بن فقیه همدانی (ت: ۳۴۰ هجری) چاپ بریل، لیدن، ۱۳۰۲ هجری، ص ۱۷.
 - ۲- فروع کافی، کتاب حج، باب حج ابراهیم و اسماعیل (علیه السلام)، حدیث ۱۴، ج ۴، ص ۲۱۰؛ من لا یحضره الفقیه، کتاب حج، ج ۲، ص ۱۲۵؛ وافی، کتاب حج، ج ۸، ص ۲۸؛ بحار الانوار، کتاب النبوة، ج ۵، ص ۱۴۳ و ۱۴۴.
 - ۳- همان.

آنچه آوردیم اخبار قبور انبیاء و اولیاء در مکه بود. در بحث آینده برخی اخبار مربوط به قبور آنان در غیر مکه را می آوریم.

قبر مادر پیامبر (صلی الله علیه وآله) در ابواء و زیارت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از مزار مادر

صاحب کتاب معجم البلدان در معرفی ابواء گوید:

« ابواء قریه ای است از توابع مدینه که فاصله آن تا جحفه - از سمت مدینه - بیست و سه میل است. قبر آمنه دختر وهب، مادر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در ابواء است. سبب دفن او در ابواء آن است که عبدالله پدر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به سوی مدینه رفت تا خرما بیاورد. او در مدینه وفات کرد. همسرش آمنه بنت وهب سالی یک بار برای زیارت قبر او به مدینه می رفت. هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) شش ساله شد، آمنه به همراه عبدالمطلب و ام ایمن دایه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) رهسپار مدینه شد و در راه بازگشت به سوی مکه در ابواء جان سپرد ». (۱)

در تاریخ ابن عساکر آمده است:

آمنه دختر وهب مادر آقای ما رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بود. او رسول خدا را برای دیدار داییهای خود از قبیله بنی عامر بی نجار به مدینه برد، سپس به سوی مکه بازگشت و در ابواء میان مکه و مدینه، در حالی که رسول خدا، شش پاورقی:

۱- معجم البلدان، یاقوت حموی، ج ۱، ص ۱۰۰.

ساله بود، بدرود حیات گفت « (۱)

ابن سعد در طبقات پس از آوردن مشروح این خبر سخنی دارد که فشرده آن چنین است:

« رسول خدا (صلی الله علیه وآله) هنگامی که در راه عمره حدیبیه به ابواء رسید نزد قبر مادرش آمنه آمد، آن را اصلاح کرد و در کنار آن گریست. مسلمانان هم به خاطر گریه رسول خدا گریستند ».

خبر گریستن رسول خدا بر سر قبر مادرش و گریستن صحابه در سایر کتابهای حدیثی نیز آمده است. (۲)

قبر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در مدینه

در طبقات ابن سعد و سیره ابن هشام روایتی است که فشرده آن چنین است:

« رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در خانه خود، در همان اطاقی که جان به جان آفرین تسلیم کرد، دفن گردید. پس از آن هریک از دو خلیفه، ابوبکر و عمر

پاورقی:

۱- مختصر تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۲، ص ۱۰۰.

۲- طبقات ابن سعد، چاپ بیروت، ۱۳۷۶ هجری، ج ۱، ص ۱۱۶؛ سنن نسائی، کتاب جنائز، ج ۱، ص ۳۶۷؛ سنن ابی داود، حدیث ۳۲۳۴؛ سنن ابن ماجه، حدیث ۱۵۷۲.

نیز، در آنجا دفن شدند. سپس این گنبد سبز رنگ را بر فراز آن بنا کردند». (۱)

ثواب زیارت قبر رسول خدا (صلی الله علیه وآله)

دار قطنی در سنن، طبرانی در معجم و فاکهی در اخبار مکه با اسناد خودشان از ابن عمر آورده اند که گفت:

(قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَنْ حَجَّ فَزَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي).

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: هر کس حج بگزارد و قبر مرا - پس از رحلتم - زیارت کند همانند کسی است که مرا در حال حیات زیارت کرده است. (۲)

طیالسی با سند خود از عمر روایت کرده که گفت: شنیدم رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می فرمود:

(مَنْ زَارَ قَبْرِي أَوْ مَنْ زَارَنِي كُنْتُ لَهُ شَفِيعاً أَوْ شَهِيداً).

پاورقی:

-
- ۱- طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۲۹۲-۲۹۴؛ سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۳۴۳.
۲- سنن کبرای بیهقی، ج ۵، ص ۲۴۶؛ سنن دار قطنی، ج ۲، ص ۲۷۸؛ اتحاف السادة المتقين، زبیدی، ج ۴، ص ۴۱۶؛ ترواء الغلیل، البانی، ج ۴، ص ۳۳۵؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۷۰؛ مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۴، ص ۲؛ درالمنثور، سیوطی، ج ۱، ص ۲۳۷؛ معجم الکبیر، طبرانی، ج ۱۲، ص ۴۰۷.

هر کس قبر مرا زیارت کند یا مرا زیارت کند - من شفیع او یا
گواه او خواهم . بود. (۱)

زائران قبر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از اهل بیت و صحابه

(الف) فاطمه (علیه السلام) اولین زائر قبر رسول خدا (صلی الله علیه وآله)

ابن جوزی با سند خود از علی (علیه السلام) روایت کرده که فرمود:

« هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) دفن گردید، فاطمه (علیه السلام) نزد قبر آمد، اندکی ایستاد و سپس مشتی از خاک قبر برگرفت و بر دیده نهاد و گریست و ابیاتی زیر را ترنم کرد:

مَاذَا عَلَى مَنْ شَمَّ ثُرْبَهُ أَحْمَدُ
أَنْ لَا يَشُمَّ مَدَى الزَّمَانِ غَوَالِيَا
صَبَّتْ عَلَى مَصَائِبٍ لَوْ أَنَّهَا

صَبَّتْ عَلَى الْآيَامِ عُذْنَ كِبَالِيَا (۲)

راستی آنکه شمیم سرکویت بویید چه غم از بوی دو عالم به مشامش نرسد
بر من آن شد که اگر بر همه ایام رود ظلمت دهر به تاریکی شامش نرسد!
پاورقی:

-
- ۱- مسند طرابلسی (متوفای ۲۰۴ هجری)، ص ۱۲؛ کنز العمال، ج ۳۰، ص ۱۶۱؛ مختصر تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۰۶؛ المطالب العالیة، ابن حجر، ص ۱۲۵۴؛ درالمنثور، سیوطی، ج ۱، ص ۲۳۷؛ معجم الکبیر، طبرانی، ج ۱۲، ص ۴۱۷.
۲- مشیر الغرام الساکن، ص ۳۰۰.

ب) ابو ایوب انصاری، زائری که صورت بر تربت پاک رسول الله (صلی الله علیه وآله) می ساید:

در مجمع الزوائد به سند خود از ابوداود بن ابوصالح آورده که او گفت: روزی مروان به سوی قبر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نظر کرد و دید مردی صورت خود بر قبر نهاده، گفت: می دانی چه می کند؟ آن مرد که ابو ایوب انصاری صحابی رسول خدا بود، روی خود به سوی مروان گردانید و گفت: آری امی دانم چه می کنم! « من به زیارت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آمدم، به زیارت حجر نرفتم ». (۱)

خلاصه و نتیجه بحثها

معتقدان به تحریم بنا و بازسازی قبور انبیاء و اولیاء و عبادتگاه کردن آنها، با استناد به برخی روایات می گویند:

نخست: امام علی (علیه السلام) به ابوالهیاج اسدی فرمود:
« من تو را به کاری مأموریت می دهم که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) مرا مأمور آن کرد. او گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در تشییع جنازه ای بود
پاورقی:

۱- مجمع الزوائد، کتاب الخلافة، چاپ بیروت، ۱۹۶۷ م، ج ۵، ص ۲۴۵. این روایت با عبارات دیگری در ج ۴، ص ۲، همین کتاب نیز آمده است. و نیز: مسند احمد، ج ۵، ص ۲۲۴؛ مستدرک حاکم، ج ۵ ص ۵۱۵.

که فرمود: کدام یک از شما به مدینه می رود تا همه بتهایش را شکسته، همه قبرهایش را صاف و همه صورتهایش را دگرگون نماید؟ مردی برای انجام آن روانه شد، ولی از مردم مدینه ترسید و ناکام بازگشت. امام علی (علیه السلام) روانه شد و همه آنها را به انجام رسانید! ».

نمی توانم فهمید چگونه استدلال کنندگان به این روایت متوجه اشکالات آن نشده اند: آیا رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در تشییع جنازه در مکه بوده که فرستاده اش را به مدینه می فرستد و او ناکام بازمی گردد، سپس پسرعمویش علی (علیه السلام) را می فرستد و او همه دستورات را انجام می دهد، یا در مدینه بوده؟

این تشییع جنازه چه مقدار طول کشیده که فرد اول می رود و ناکام بازمی گردد و پس از او پسرعموی پیامبر (صلی الله علیه وآله) روانه می شود و همه قبور را صاف می کند، و همه صورتها را واژگون و همه بتها را می شکند؟ آیا صاحبان این بتها مسلمان بوده اند؟ اگر چنین بوده، برای چه بتها را نگه می داشتند؟ و اگر مشرک بوده اند چگونه به مجرد رفتن پسرعموی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به سوی آنان، تسلیم فرمان او شدند؟ دیگر آنکه، فرمان امام علی (علیه السلام) به ابوالهیاج بناچار باید در زمان خلافت آن حضرت باشد. زیرا صدور فرمانی این چنین درباره مردمان یک شهر، تنها از حاکم مقتدر مسلط بر امور ممکن گردد.

پس، زمان صدور این فرمان بعد از زمان حکومت خلفای سه گانه بوده است. حال نمی دانم آیا در آن روزگار در سرزمینهای اسلامی بتی بر جای مانده بود تا ابوالهیاج آن را بشکند؟ راستی را که نمی توانم فهمید!

دوم: استدلال آنان به روایت منسوب به رسول خدا (صلی الله علیه وآله) است. می گویند: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرموده: «قبر مرا بت نکنید

بدانگونه که یهود قبور انبیای خود را بت کردند».

نمی توانم فهمید، چه وقت یهود قبور انبیای خود را بت کردند؟ آنان پس از خروج از مصر و سرگردانی در بیابان که برای عبادت، خیمه اجتماع داشتند. در زمان سلیمان هم که آن حضرت برای ایشان عبادتگاه - هیکل سلیمان - بنا نهاد. همانگونه که مسجد رسول الله (صلی الله علیه وآله) در مدینه برای عبادت بنا شد.

اما درباره قبر پیامبرانشان نیز، چنانکه گذشت: برخی از آنان اصلاً محل دفنشان ناشناخته است، برخی نیز در غارهایی در زیر زمین مدفونند و جای دفن آنان را تنها افراد معدودی می دانسته اند.

اما آنچه از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) روایت شده که آن حضرت زنهاى زیارتکننده قبور را لعنت کرده، نمی تواند در مقابل روایات صحیح و فراوان دیگر هموردی نماید، روایاتی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در آنها فرموده: من خود شما را از زیارت قبور نهی کردم. اکنون آنها را زیارت کنید».

اینها خلاصه دلایل معتقدان به حرمت بنا و بازسازی قبور و عبادتگاه و مسجد کردن آنها بود.



معتقدان به جواز بازسازی و عمارت و عبادت در محل قبور نیز، به دلایل زیر استدلال کرده اند:

نخست: در قرآن کریم

(وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى). (۱)

و از مقام ابراهیم عبادتگاهی بگیرید.

(قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمُ مَسْجِدًا). (۲)

آنانکه بر حالشان [اصحاب کهف] آگاه شدند، گفتند: بر جایگاهشان مسجدی می سازیم.

پس، خدای سبحان ما را فرمان داده تا از جای پای خلیش ابراهیم (علیه السلام) عبادتگاه بگیریم. و نیز، خبر داده که، آنان که بر حال اصحاب کهف آگاه شدند گفتند: «بر خوابگاه ایشان مسجدی می سازیم» و با این خبر اقدام آنان را تأیید فرموده است.

دوم: در سنت رسول خدا (صلی الله علیه وآله)

می گویند: سنت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) مؤید آن است که آنچه برای قبر نبی خدا اسماعیل و مادرش هاجر و دوشیزگان او و سایر انبیای مدفون در حجر اسماعیل و بیت الله الحرام انجام شده و برخی از آنها قرنهای متمادی پس از عصر رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) نیز عیان و آشکار و در دید همگان است، همگی مشروع و مجازند.

پاورقی:

۱- سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۲- سوره کهف، آیه ۲۱.

زیرا، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) خود شخصاً حجر اسماعیل را طواف کرده و ذریه رسول الله (صلی الله علیه وآله) و صحابه نیز متابعت نموده و نیکان و پاکان مسلمان تا به امروز، بر این سنت استوار، و بر انجام آن پای فشارند.

سوم: سنت رسول خدا در زیارت قبر مادر و گریستن و گریاندن صحابه و ترمیم قبر

چهارم: استدلال به اطاق سقف دار
اطاقی که قبر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و دو خلیفه ابوبکر و عمر در آن است و گنبد سبز رنگ افراشته بر فراز آن، که امروزه شاهد آنیم.

پنجم: ترغیب و تشویق مسلمانان از سوی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به زیارت قبر خود

ششم: زیارت پاره تن رسول الله (صلی الله علیه وآله) فاطمه زهرا (علیه السلام) از قبر پدرش رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و زیارت صحابی ابو ایوب انصاری از همان قبر

پس، زیارت قبور انبیاء و اولیاء و بنای عمارت بر آنها و مسجد گزیدن و عبادتگاه گرفتن این قبور، از سنتهای بنیادین خدای رحیم و رسول کریم اوست. بنابراین، اولین [پیشوای] قبرگرایان - آنگونه که برخی تعبیر می کنند - رسول خدا (صلی الله علیه وآله) است و پس از او پاره تنش فاطمه (علیه السلام) و بعد صحابه والامقام، و سپس ما شیعیان و محبان! و این شرافت ما را بس که همگی پیرو رسول الله (صلی الله علیه وآله) بوده و آن حضرت الگو و مقتدای ما باشد.

آری، اگر امروزه نیز، مجال و فرصت یابیم، از سنت رسول خدا (صلی الله

علیه وآله) در گریستن بر قبور انبیاء و اولیاء و ترمیم آنها پیروی کرده و زیارت قبر مبارک آن حضرت را سرلوحه آنها قرار می دهیم، و در این کار به صحابی نیکوکار ابویوب انصاری اقتدا کرده و صورت بر تربت پاک قبر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می نهیم و از پاره تنش فاطمه (علیه السلام) درس گرفته خاک قبرش را می بوییم و زمزمه می کنیم:

راستی آنکه شمیم سرکویت بویید چه غم ار بوی دو عالم به مشامش نرسد
بر من آن شد که اگر بر همه ایام رود ظلمت دهر به تاریکی شامش نرسد

ولی چه بگوییم که در چشم خار و در گلو استخوان است.
و اَنَا لِلَّهِ و اَنَا اِلَيْهِ راجعون!

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ

ساعت: ۱۳/۱۷

روز: شنبه

۲۲ / خرداد ماه / ۱۳۹۵

کرم رضا خزلی

یار مهربان

www.bagheminoo.com

baghemino.1339@gmail.com

[Tel:09125411283-09356411283](tel:09125411283-09356411283)

کمرضا خانی